

تفحص کیفی در واکنش همسران به افشای خیانت زناشویی*

آزاده امینی‌ها^۱

کیومرث فرح‌بخش^۲

معصومه اسمعیلی^۳

چکیده

پژوهش با هدف شناسایی شیوه‌های پاسخ‌دهی همسران پس از افشای خیانت زناشویی انجام شد. روش پژوهش کیفی و از نوع نظریه‌مبنایی است. جامعه پژوهش دربرگیرنده همسرهای ساکن شهر تهران است که در زندگی زناشویی آن‌ها خیانت اتفاق افتاده و از هنگام افشای آن دست‌کم ۱ سال و دست‌بالاتر ۶ سال گذشته باشد و اینک با هم زندگی می‌کنند. نمونه‌درب‌گیرنده ۲۱ همسر آسیب‌دیده و پیمان‌شکن بود که به شیوه هدفمند و نظری انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته و به‌منظور تحلیل داده‌ها از کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شد. دو چکیده اصلی و ده خرده‌چکیده از واکنش‌های همسران پس از افشای خیانت شناسایی شد. تحلیل داده‌ها نشان داد همسران پس از افشای خیانت از دو راهبرد فردی و تعاملی استفاده می‌کنند. راهبردهای فردی دربرگیرنده مدیریت هیجانات منفی و بهره‌گیری از معنویات و راهبردهای تعاملی دربرگیرنده رقابت، اجتناب، توافق و مشارکت است. این یافته‌ها به درک بهتر متخصصین مشاوره و درمان رابطه زوج از راهبردهایی که همسران در ازای افشای خیانت در پیش می‌گیرند، کمک می‌کند تا بتوانند مداخلات درمانی هماهنگ با وضعیت زوجین را تدوین کنند. به‌ویژه در مراحل نخستین درمان خیانت همسران را به‌سوی مدیریت هیجانات منفی و راهبردهای مشارکتی که برای طرفین سودمند است، سوق دهند.

کلیدواژه‌ها: خیانت زناشویی، راهبردهای فردی، راهبردهای تعاملی، نظریه‌مبنایی

*. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکترای با عنوان «ارائه الگوی درمانی مبتنی بر تجارب روان‌شناختی زوج‌های دارای تجربه

خیانت زناشویی و آزمون اثر بخشی آن در کاهش آسیب‌های ناشی از خیانت» می‌باشد.

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

kiiumars@yahoo.com

۲. دانشیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

پس از خشونت بدنی، خیانت آسیب‌زاترین ویران‌کننده‌ترین رویداد در ازدواج است که می‌تواند منجر به آسیب هر دو طرف دخیل در خیانت و درنهایت طلاق شود (برد، باتلر و فایف، ۲۰۰۷). افشای خیانت با یک شوک آغاز می‌شود و عواقب بلافصل این شوک احساس اندوه، خشم، اضطراب، شرم و گناه است (لوین، ۲۰۰۵). پس از افشای خیانت، همسر آسیب‌دیده عواطف شدیدی مانند خشم، شرم، افسردگی، ناتوانی و رهاشدگی را تجربه می‌کند. این عواطف همچنین می‌تواند جایگزین حالاتی مانند شوک، بهت‌زدگی و انکار شود. همسر آسیب‌دیده و همسر پیمان‌شکن هر دو ممکن است از رابطه‌شان کناره‌گیری کنند و افکار مزاحم تکرارشونده‌ای درباره خیانت و افشای بی‌وفایی داشته باشند (گوردون، باکوم و اشنایدر، ۲۰۰۸).

هرتلین، وچلر و پیرسی (۲۰۰۵)، نیز باور دارند پس از افشای خیانت، همسر آسیب‌دیده احساس خشم به همسر پیمان‌شکن، احساس شرم، دستپاچگی، از دست دادن احساس هویت، احساس گناه، کاهش عزت‌نفس و عدم امنیت را تجربه می‌کند و هر دو زوج ممکن است احساس ترس را هم‌زمان داشته باشند. به‌طورکلی در چنین شرایطی سلامت روانی همسران درگیر خیانت کاهش پیدا می‌کند (جکمن، ۲۰۱۴). همه واکنش‌های عاطفی، رفتاری و شناختی هم‌ارز معیارهای تنیدگی پس از ضربه (PTSD) است (گوردون و همکاران، ۲۰۰۸، برد و همکاران، ۲۰۰۷). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که پیامدهای زیان‌بار خیانت می‌تواند برای زمان طولانی و شاید برای همیشه تداوم داشته باشد مگر اینکه زوجین درمان مناسبی دریافت کنند.

اولسون، راسل، کسلر و میلر (۲۰۰۲)، سه مرحله آشفتگی هیجانی^۱، تعلیق^۲ و اعتمادسازی را به دنبال افشای خیانت در نظر گرفتند و در هر کدام از این مراحل تجارب همسر آسیب‌دیده را توصیف می‌کنند. در مرحله آشفتگی عاطفی همان‌گونه که از نامش پیداست عواطف همسر آسیب‌دیده در نوسان است و در مورد حفظ ازدواج و یا ترک آن شک و تردید وجود دارد. لوین (۲۰۰۵)، نیز معتقد است که افشای خیانت یک طوفان عاطفی ایجاد می‌کند که در هنگام این طوفان همسر آسیب‌دیده در جهت کشف معنای خیانت کوشش می‌کند. این طوفان

1. Emotional Roller Coaster

2. Moratorium

عاطفی با یک شوک آغاز می‌شود و عواقب بلافصل این شوک احساس غم، خشم، اضطراب، شرم و انتقام‌جویی است. در مرحله تعلیق واکنش‌های عاطفی همسر آسیب‌دیده فروکش کرده و افکار و سواسی درباره جزئیات، فاصله‌گیری بدنی و عاطفی و حسادت دیده می‌شود. در مرحله اعتمادسازی که با افزایش گفتگو نزدیک شدن دوباره زوج همراه است. همسر آسیب‌دیده فرایند بخشش و رهایی از حس تلافی و نفرت را طی خواهد کرد (اولسون و همکاران ۲۰۰۲).

واگهان (۲۰۰۸)، دریافت که میزان بحث و گفتگو زوجین درباره خیانت و میزان پاسخگویی همسر پیمان‌شکن رابطه معنی‌داری با کیفیت رابطه زناشویی و بهبودی یافتن همسر آسیب‌دیده دارد. گفتگو درباره چرایی خیانت و جزئیات آن، مسئولیت‌پذیری و پاسخگو بودن همسر پیمان‌شکن احتمال برگشت به زندگی مشترک را افزایش می‌دهد و احتمال وقوع دوباره خیانت را کاهش می‌دهد. رحیمی، فاتحی زاده و یوسفی (۲۰۱۴)، با آسیب‌شناسی رابطه متقابل میان زوجین پس از افشای خیانت دریافتند که زوجین تحت تأثیر الگوهای تعاملی ناکارآمد دارای آسیب‌هایی در گستره رفتاری، عاطفی و ارتباطی می‌گردند. نایدو (۲۰۱۳)، دریافت که معنویت و سیستم عقیدتی همسران آسیب‌دیده عاملی برای مبارزه به‌منظور حفظ ازدواجشان است. استپلس (۲۰۱۰)، نشان داد که مدیریت عواطف شدید از سوی همسران پس از افشای خیانت به‌عنوان یک میانجی در بازسازی اعتماد نقش دارد و عدم مدیریت آن مانعی در درمان محسوب می‌گردد و اعتمادسازی میان همسران مستلزم برقراری راهبردهای تعاملی امن میان آن‌ها و تغییر دیدگاه نسبت به خود و دیگری است. اولمستید، بلیک و میلز (۲۰۰۹)، پذیرش دوجانبه مسئولیت همسر آسیب‌دیده و همسر پیمان‌شکن به‌عنوان یک راهبرد مشارکتی به بهبود روابط میان زوجین کمک می‌کند و شفاف‌سازی همسر پیمان‌شکن عامل مهمی در تسریع فرایند بخشش است. برد و همکاران (۲۰۰۷)، دریافتند پس از افشای خیانت زناشویی کشف و شناسایی افکار و عواملی که رابطه فرا زناشویی را احاطه کرده، بیان این عواطف به یکدیگر از سوی همسران، پذیرش مسئولیت شخصی، کاهش سرزنش، شفاف‌سازی و بازسازی اعتماد از راهبردهای تسهیل‌کننده درمان است. ونگ هومین (۲۰۰۶)، نشان داد که همسران آسیب‌دیده برای سازگاری با مسئله از مدیریت هیجان و عقاید مذهبی بهره برده‌اند.

با توجه به ماهیت پیچیده خیانت و درمان آن و همچنین تأثیرات فاجعه‌آمیز این پدیده بر روی زوج، فرزندان و بالطبع جامعه، شناخت واکنش‌های همسران پس از افشا و فرایند بازگشت به رابطه زناشویی می‌تواند یک چالش ویژه در مطالعه و درمان روابط فرا زناشویی باشد؛ بنابراین بررسی تجارب روان‌شناختی همسران دارای تجربه خیانت واکنش‌های آن‌ها پس از افشا به‌منظور تدوین یک الگوی درمانی جامع برای مداخلات مؤثر در خیانت‌های زناشویی که متکی بر تجربیات زوجین ایرانی باشد امری ضروری و مهم به نظر می‌رسد؛ بنابراین پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است همسرانی که پس از افشای خیانت به رابطه زناشویی خود ادامه داده‌اند از چه شیوه‌های پاسخ‌دهی استفاده کرده‌اند؟

روش

روش پژوهش حاضر کیفی و از نوع نظریه مبنایی است. به‌منظور گردآوری داده‌ها در این بخش با همسرهایی که دارای تجربه خیانت زناشویی بودند و در حال حاضر با یکدیگر زندگی می‌کردند مصاحبه انجام شد و با استفاده از شیوه‌های نظریه مبنایی (grounded-theory) استراوس و کوربین (۱۹۹۸) تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری نظری و فرایند مقایسه‌ای مداوم و با استفاده از واحد سازی و مقوله‌بندی صورت گرفت (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸، ترجمه محمدی ۱۳۸۷).

جامعه آماری؛ شامل همسرهای ساکن شهر تهران است که در زندگی زناشویی آن‌ها خیانت اتفاق افتاده و از زمان افشای آن حداقل ۱ سال و حداکثر ۶ سال گذشته باشد و در حال حاضر با هم زندگی می‌کنند. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند و نظری صورت گرفت. محقق با فراخوان از طریق اعلان به همکاران و آگاهی در شبکه‌های اجتماعی از کسانی که شرایط لازم برای ورود به پژوهش را داشتند، دعوت به عمل آورد.

با توجه به مفروضات اساسی و زیربنایی رویکرد کیفی و طبق نمونه‌گیری نظری تعداد نمونه پیش از اجرای پژوهش تعیین نمی‌شود و فرایند نمونه‌گیری تا زمانی ادامه پیدا می‌کند تا نوعی اشباع اطلاعات حاصل شود. در این پژوهش ابتدا چند مصاحبه اولیه انجام شد و پس از تحلیل داده‌ها و شناسایی اولین مقوله‌ها، مصاحبه‌های بعدی انجام شد و این فرایند به‌صورت رفت‌وبرگشت ادامه پیدا کرد و درنهایت پس از انجام ۱۴ مصاحبه اشباع نظری صورت گرفت

و اطلاعات جدید همان اطلاعات قدیم بود؛ اما برای اطمینان بیشتر و افزایش تنوع و غلظت مفهومی نظریه، ۷ مصاحبه دیگر صورت گرفت که مجموع مصاحبه‌ها به ۲۱ رسید که البته داده جدیدی حاصل نشد.

ابزار

جهت جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته استفاده شد. برای طراحی سؤالات مصاحبه از مفاهیم متون تخصصی و پژوهش‌های قبلی استفاده شد؛ همچنین از مصاحبه بکار گرفته شده در پژوهش برد و همکاران (۲۰۰۷) و استپلس (۲۰۱۰)، کمک گرفته شد. همچنین از اساتید و دانشجویان دوره دکترای مشاوره نظرخواهی شد. از این‌رو در پژوهش حاضر پس از انجام چند مصاحبه اولیه و تحلیل آن‌ها و شناسایی مقوله‌های مقدماتی تغییراتی در سؤالات مصاحبه‌ها صورت گرفت، محور کلی سؤالات مصاحبه حول واکنش‌های همسران پس از افشا بود.

روند اجرا

مصاحبه با شرکت‌کنندگان به صورت حضوری، توسط محقق در یک مرکز مشاوره واقع در مرکز شهر تهران انجام شد. پیش از مصاحبه برای هر کدام از افراد شرکت‌کننده در پژوهش به صورت تلفنی موضوع و اهداف پژوهش و این‌که صحبت درباره این موضوع می‌تواند برایشان دردناک و خجالت‌آور باشد، توضیح داده شد. با تذکر درباره رعایت امانت‌داری و رازداری از سوی محقق اجازه ضبط مصاحبه‌ها اخذ گردید و به شرکت‌کنندگان اعلام شد حق این را دارند به هر سؤالی که در طی مصاحبه پرسیده می‌شود در صورت عدم تمایل پاسخ ندهند و یا به هر دلیلی که می‌خواهند به مصاحبه‌ها خاتمه دهند. همچنین به منظور جلب مشارکت و همکاری بیشتر افراد شرکت‌کننده خدمات مشاوره‌ای لازم به صورت رایگان ارائه شد. در مجموع ۲۱ مصاحبه انجام شد و هر مصاحبه پیاده‌سازی و تایپ شد. هر مصاحبه میان یک ساعت تا یک ساعت و چهل و پنج دقیقه به طول انجامید. داده‌های برگرفته از مصاحبه با همسرهای دارای تجربه خیانت زناشویی در فاصله میان اسفند ۹۳ تا شهریور ۹۴ کامل شد.

مصادیق رعایت اصول اخلاقی. به افراد شرکت‌کننده در پژوهش توضیح کلی در مورد اهداف پژوهش داده شد؛ از افراد شرکت‌کننده برای ضبط مصاحبه‌ها اجازه گرفته شد؛ شرکت‌کنندگان اجازه داشتند به هر سؤالی که می‌خواهند در صورت عدم تمایل پاسخ ندهند و یا هر زمان که می‌خواهند از شرکت در پژوهش انصراف دهند؛ محاسن و معایب احتمالی شرکت در مصاحبه و درمان با آن‌ها در میان گذاشته شد و در مورد حفظ رازداری اطمینان حاضر داده شد؛ در تحلیل مصاحبه‌ها از نام مستعار استفاده شد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

رویه‌های تحلیل در نظریه مبنایی شامل کدگذاری داده‌هاست، بنابراین برای تحلیل داده‌ها پس از تبدیل مصاحبه‌ها به متن، کدگذاری داده‌های متنی در ۳ مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی صورت گرفت. برای ارزیابی روایی و پایایی داده‌های کیفی از باورپذیری^۱، اطمینان‌پذیری^۲، تائید‌پذیری و انتقال‌پذیری استفاده گردید. به‌منظور باورپذیری زمان کافی برای گردآوری و تحلیل داده‌ها تخصیص داده شد و از بیش از یک تحلیل‌گر جهت بررسی و بازنگری داده‌ها استفاده شد. برای اطمینان‌پذیری نظرات واکنش‌های شرکت‌کنندگان در پژوهش نسبت به یافته‌های برآمده از پژوهش موردبررسی قرار گرفت و آن‌ها نیز صحت یافته‌ها را گزارش کردند. به‌منظور تائید‌پذیری از تمامی فرایندهای کدگذاری یادداشت‌برداری شد و منابع داده‌ها در دسترس قرار گرفت.

یافته‌ها

ویژگی‌های توصیفی مصاحبه‌شوندگان. کل مصاحبه‌شوندگان ۲۱ نفر بود که از این تعداد زن آسیب‌دیده ۱۲ نفر؛ زن پیمان‌شکن ۳ نفر؛ مرد آسیب‌دیده ۲ نفر و مرد پیمان‌شکن ۴ نفر بودند. میانگین سنی زنان آسیب‌دیده ۳۵ سال؛ زنان پیمان‌شکن ۳۳ سال؛ مردان آسیب‌دیده ۳۹ سال و مردان پیمان‌شکن ۳۲ سال بود.

در پژوهش حاضر در راستای پاسخ به پرسش پژوهش واکنش‌های متقابل همسران در رابطه با بازگشت و ادامه زندگی پس از افشای خیانت موردبررسی قرار گرفته است. به دنبال

1. credibility

2. consistency

تحلیل داده‌ها دو چکیده اصلی راهبردهای فردی و تعاملی و برای هر کدام از این مضامین اصلی، خرده مقوله‌هایی به دست آمد. راهبردهایی فردی شامل مدیریت هیجانات منفی و بهره‌گیری از معنویات و راهبردهای تعاملی شامل رقابت، اجتناب، توافق و مشارکت است. اگرچه این راهبردها بسیار درهم‌تنیده و با یکدیگر به هم مرتبطاند و ایجاد چنین مرزی میان آن‌ها چندان دقیق نیست، ولی به‌منظور درک بهتر و جلوگیری از درهم‌ریختگی ساختار تحلیل این طبقه‌بندی انجام شده است. همچنین ممکن است این راهبردها میان همسران در گذر زمان از شیوه‌ای به شیوه دیگری تغییر کند. در زیر با ذکر مصادیق مقولات توضیح، تفسیر و تبیین می‌گردد.

راهبردهای فردی عبارت‌اند از: مدیریت هیجانات منفی و بهره‌گیری از معنویات.

مدیریت هیجانات منفی

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که به دنبال افشای خیانت همسر آسیب‌دیده و همسر پیمان‌شکن هر دو طیف وسیعی از هیجانات منفی شامل خشم، شوک و بهت‌زدگی، غم و اندوه، افسردگی و ناامیدی، وحشت، احساس گناه، عدم کفایت، انکار و سردرگمی و حتی اقدام به خودکشی را تجربه کرده‌اند. این هیجانات منفی مانند تجربه هرگونه آسیب روانی پر نوسان شدید و طاقت‌فرسا بودند. دو نفر از همسران پیمان‌شکن داوطلبانه به افشای رابطه فرا زناشویی خود پرداخته بودند. یکی از آن‌ها (مرد پیمان‌شکن) دلیل افشای داوطلبانه خود را احساس گناه و دیگری (زن پیمان‌شکن) افزون بر احساس گناه، اعلام نارضایتی از رابطه و همچنین حفظ رابطه زناشویی دانستند.

اکثر شرکت‌کنندگان در پژوهش مدیریت هیجانات منفی را غیرقابل مهار و دشوار دانستند و با به‌کارگیری شیوه‌های متفاوت برخی توانسته بودند با رنج کمتری از این دوره عبور کنند. مدیریت این هیجانات برای همسران به‌ویژه همسر آسیب‌دیده بسیار دشوار است. صحبت کردن با فردی مورد اعتماد، سرگرم شدن با کار، دارودرمانی، ورزش، پاسخ عاطفی مناسب از سوی همسر پیمان‌شکن (مثل سکوت و تسلیم) از راهکارهای مورداستفاده مصاحبه‌شوندگان این پژوهش برای مدیریت هیجانات منفی بوده است باوجوداین افراد شرکت‌کننده در پژوهش عدم کنجکاوی درباره جزئیات و گذشت زمان را به‌عنوان عوامل تسهیل‌گر در مدیریت

هیجان‌ات منفی دانستند. همسران آسیب‌دیده‌ای که توانسته بودند عواطف منفی خود را از جمله خشم را در فضایی امن به همسرانشان ابراز کنند و پاسخ‌های همدلانه از سوی همسر پیمان‌شکن دریافت کرده بودند، مهار واکنش‌های هیجانی خود را راحت‌تر به دست گرفته بودند.

یکی از همسران آسیب‌دیده بیان کرد: «حالم خیلی بد بود. شوهرم سعی کرد بیشتر وقتش رو با من بگذرونه، اگر تو اون شرایط بحرانی قرار بود بره بیرون من مضطرب می‌شدم، اما سعی کرد دائم کنار من باشه و به هم ابراز علاقه کنه، این جوروی آروم شدم».

همسر پیمان‌شکن دیگری در این زمینه گفت: «در وهله اول مقدار زیادی دارو کمک کرد تا آروم بشیم، اما هرچند وقت یک‌بار جنجال داشتیم و من سعی می‌کردم در مقابل بهانه‌گیری بی‌موقع و تیکه‌هایی که به هم می‌انداخت سکوت کنم. به خودم می‌گفتم. حقتِ پس باید حرف نزنم چون تو باعث رنج و عذاب اون شدی و باید کمکش کنی آروم بشه».

یکی از زنان آسیب‌دیده در این خصوص اظهار کرد: «شب‌ها تا صبح فقط گریه می‌کردم، ازش عصبانی بودم، اسمم رو نوشتم کلاس ورزش. سعی کردم زمانم رو پرکنم، می‌رفتم پیش دوستم، گریه می‌کردم آروم می‌شدم».

بهره‌گیری از معنویات

تحلیل داده‌ها نشان داد برخی از همسران آسیب‌دیده استفاده از فعالیت‌های مذهبی مانند راز و نیاز با خداوند و توکل بر او، نذر کردن، خواندن نماز و شرکت در کلاس‌های عرفانی و مذهبی را در عبور از بحران، کسب آرامش و بخشش مفید دانستند.

یکی از زنان آسیب‌دیده در این خصوص اظهار کرد: «افسرده شده بودم خشم داشتم، گریه می‌کردم، دوستم به هم می‌گفت توکل کن به خدا، راز و نیاز و ارتباط با خدا را بیشتر کرده بودم، به خدا نزدیک شده بودم. پیش خودم می‌گفتم متصل میشم به خدا، می‌گفتم خدایا من غیر از تو کسی رو ندارم».

همسر آسیب‌دیده دیگر بیان کرد: «رفتم یک سری کلاس اعتقادی، اون کلاس‌ها منو یک مقدار سرپا نگه می‌داشت، من واقعاً به این مسائل معتقدم، اینا باعث شدن من پیش قدم شدم

برای آشتی، به لحاظ مذهبی فکر می‌کردم گذشتی رو که دارم می‌کنم خدا می‌بینه، نماز شب می‌خوندم، دعا، صلوات».

یکی دیگر از همسران آسیب‌دیده در این زمینه ابراز کرد: «اعتقادتم به من خیلی کمک کرد اگر اعتقاد به خدا نداشتم، اگر توسل به خدا نداشتم، نذرهایی کردم که تا اون جایی که می‌شه این رشته پاره نشه تا من بتونم بچه‌ها رو بزرگ کنم».

راهبردهای تعاملی عبارت‌اند از: رقابت، اجتناب، توافق و مشارکت.

راهبرد رقابت

این راهبرد معمولاً بلافاصله پس از افشای خیانت که هیجانات منفی بسیار شدید بودند شکل می‌گرفت و به صورت حمله- دفاع در قالب رفتارهای پرخاشگرانه خود را نشان می‌داد؛ و معمولاً به علت پاسخگو نبودن همسر پیمان‌شکن، دلیل تراشی و عدم پذیرش مسئولیت رفتار از جانب او، دفاع از خود و اعتبار نبخشیدن به احساسات همسر آسیب‌دیده تشدید می‌گشت. همسر آسیب‌دیده نیز با رفتارهایی که شخصیت و جایگاه همسر پیمان‌شکن را زیر سؤال می‌برد مانند تهدید به طلاق، شکایت به مراجع قانونی، خودزنی، مطلع کردن خانواده‌های اصلی و اطرافیان به منظور آبروریزی و ائتلاف با فرزندان سعی به مهار رابطه در جهت حفظ آن می‌کرد. ویژگی اصلی این راهبرد به شکل نزاع و نبرد قدرت شناسایی شد. هر کدام از همسران درصدد افزایش مهار خود بر رابطه بودند، این راهبرد در جهت رفع مسئله و نه حل مسئله بکار گرفته می‌شد. در زیر با اتکا به متن مصاحبه‌ها این راهبرد توضیح داده می‌شود.

به‌عنوان مثال یک همسر آسیب‌دیده چنین بیان کرد: «یک روز شدید دعوا مون شد. من رو از خونه بیرون کرد! بهش گفتم: خیانت می‌کنی؛ از خونه هم بیرون می‌کنی؟ من هم مجبور شدم و کیل بگیرم مهریه‌ام رو بگذارم اجرا. نامه توقیف اموالش رو که گرفتم تازه یاد من افتاد. شروع کرد به واسطه کردن فامیل. گفتم باید یک جلسه بگذاریم همه باشند و جلوی همه اعتراف کنی!»

همسر آسیب‌دیده دیگری عنوان کرد: «وقتی فهمیدم خیانت کرده به خانواده‌اش گفتم. به همکارانش گفتم. اون هم من رو از لحاظ مالی گذاشت توی مضیقه. من هم مهریه‌ام رو اجرا

گذاشتم. رفتم از شکایت کردم و دو شب توی بازداشت موندم. اون هم لجبازی کرد خونه رو فروخت».

یک همسر آسیب‌دیده در این خصوص گفت: «شوهرم انکار می‌کرد. من هم رفتم هر چی مدارک و اطلاعات داشتم به خانواده‌ها نشون دادم. جلوی همسایه‌ها دادویداد کردم. شب که شوهرم احمد خونه خودزنی کردم. اون زنگ زد به پدرم که بیا این دیوونه رو جمع کن. من هم زدم شیشه میز نهارخوری رو شکوندم».

راهبرد اجتناب

داده‌ها نشان داد این راهبرد به شکل انزوا و فاصله‌گیری است. زوجین معمولاً هنگامی از ترمیم رابطه مأیوس می‌شوند که همسر پیمان‌شکن پاسخگو نیست و کوشش همسر آسیب‌دیده در جهت مطالبه‌گری بی‌پاسخ می‌ماند از این راهبرد استفاده می‌کنند و ازدواجی خالی و ظاهری را پایه‌گذاری می‌کنند و تنها بر اساس محدودیت‌ها و ارزش‌های خود و رابطه باقی می‌مانند. در ابتدای ورود به این مرحله انزوا، راهبرد تعاملی همسران به شکل مطالبه‌گر-اجتناب‌کننده است و به دنبال عدم پاسخگویی همسر پیمان‌شکن و بی‌اهمیت شمردن مسئله از سوی وی الگوی اجتناب بر رابطه حاکم می‌شود. همسر آسیب‌دیده دائماً با موضوعات مختلف از جمله دلایل شکل‌گیری خیانت، چگونگی و کیفیت رابطه فرا زناشویی، ویژگی‌های فرد سوم و خروج یا عدم خروج او از رابطه اشتغال ذهنی دارد. این راهبرد در قالب رفتارهایی مانند فاصله‌گیری عاطفی و پناه بردن به نقش قربانی خود را نشان می‌داد. تحلیل داده‌های پژوهش حاضر نشان داد که زنان شرکت‌کننده در پژوهش چه در موقعیت همسر آسیب‌دیده و چه در موقعیت همسر پیمان‌شکن بیشتر پاسخگو بودند، همچنین زوجینی که راهبرد تعاملی آن‌ها اجتناب و یا رقابت بود زن در موقعیت همسر آسیب‌دیده و در موقعیت همسر پیمان‌شکن قرار داشت. در زیر با اتکا به متن مصاحبه‌ها، هر یک از این راهبردها جداگانه توضیح داده می‌شود.

الف- پناه بردن به نقش قربانی

یک همسر آسیب‌دیده چنین اظهار کرد: «شوهرم اصلاً حاضر نبود درباره‌اش حرف بزنه می‌گفت یک اشتباه بوده می‌خواست همه‌چیز رو مخفی کنه و این به من احساس حماقت می‌داد. از من می‌خواست که فکر کنم هیچی نبوده. عقوبت الهی رو می‌خوام. دوست دارم توی

این دنیا هر کسی هر خلافتی کرده عقوبتش رو ببینه، جوانی‌ام هدر رفت. قربانی هوس‌بازی شوهرم شدم»

همسر آسیب‌دیده دیگر بیان کرد: «ما اصلاً درباره این موضوع که چرا این اتفاق افتاد گفتگو نکردیم. من خیلی دوست داشتم که برام ماجرا رو روشن کنه. حتی الان هم دوست دارم بازم یکسری توضیح‌ها رو به هم بده. اگر خدایی هست و اون دنیایی هست باید تقاص پس بده، باید بفهمه من چقدر سختی کشیدم، شب‌ها گریه و زاری کردم، تو سر خودم زدم من هم فقط می‌تونم نفرین کنم که الهی سر خودشون بیاد».

یک زن آسیب‌دیده که شوهرش حاضر به قبول مسئولیت نشده عنوان کرد: «دائم در حال نفرین کردن هستم صبح تا شب هیچ کار مفیدی انجام نمی‌دم حتی کلاس هم نمی‌رم. با بچه‌ها می‌جنگم و بعد خودم رو سرزنش می‌کنم. احساس می‌کنم بیچاره هستم»

ب- فاصله‌گیری عاطفی

همسر آسیب‌دیده اظهار کرد: «من برگشتم ولی هیچ اظهار پشیمونی ندیدم اون معتقد که هیچ کار اشتباهی انجام نداده من برگشتم چون بچه‌هام اجبارم کردند، بازگشت ظاهری، طلاق اجتماعی نگرفتیم ولی طلاق عاطفی گرفتیم. فقط در مواقع لزوم با هم حرف می‌زنیم، کنار هم می‌خواهیم ولی حتی دست یا پامون رو مواظبیم که به هم نخوره».

همسر آسیب‌دیده دیگری گفت: «هیچ علاقه‌ای بهش ندارم پیش خودم انتخاب میان بد و بدتر کردم ما ارتباط خاصی با هم نداریم با هم دعوا نداریم چون کاری با هم نداریم، نسبت به اون خون سردم چون هیچ احساسی ندارم، از یکجایی خیلی چیزها مرد، احساسات زناشویی برنگشت، حتی به رابطه جنسی هم تمایل ندارم، بدنم هیچ واکنشی نشون نمی‌ده».

راهبرد توافق

مبتنی بر یافته‌های پژوهش یکی از راهبردهای مورد استفاده همسران پس از افشای خیانت توافق است. همسران به علت شتاب‌زدگی و عدم تمایل برای مواجهه با مسائل زیربنایی تنها به رفع مسئله از طریق **راهبرد بده-بستان** می‌پردازند. در این شیوه معمولاً برای جبران آسیب، دلجویی و اعتمادسازی امتیازاتی به لحاظ قانونی یا مادی از سوی همسر پیمان‌شکن به همسر آسیب‌دیده اعطا می‌شود. در برخی موارد بعد از اینکه همسران از اتخاذ راهبرد رقابت ناامید

می‌شوند و کارایی آن با شکست مواجه می‌گردد، همسر آسیب‌دیده و همسر پیمان‌شکن به راهبرد توافق روی می‌آورند. همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد مرز میان این راهبردها چندان دقیق نیست. در زیر با اتکا به متن مصاحبه‌ها، این راهبرد توضیح داده می‌شود.

الف- بده‌بستان

یک همسر آسیب‌دیده که معتقد است مراجعه او به دادگاه و شکایت از همسرش باعث تغییر موضع رفتار همسرش شده چنین گفت: «پس از شکایتیم یک‌طور دیگه عمل کرد. احمد حق طلاق را داد و ۲ دانگ از خونه رو زد به نام من. بعدش من برگشتم خونه. همین داشتن حق طلاق به من یک احساس آرامش بهتری می‌ده.»

اشکان همسر پیمان‌شکن اظهار کرد: «همسر من گفت تا حق طلاق رو به هم ندی امکان ندار برگردم خونه، من پیش خودم گفتم من مقصرم و حق طلاق رو دادم.»

راهبرد مشارکت

یکی دیگر از راهبردهای تعاملی اتخاذشده از سوی همسران پس از افشای خیانت مشارکت است. داده‌ها نشان می‌دهد. این نوع راهبرد دربرگیرنده خرده مقوله‌های **عذرخواهی از سوی همسر پیمان‌شکن، محبت و دلجویی، بازسازی اعتماد و مسئولیت‌پذیری دوجانبه** در جهت شناسایی دلایل خیانت است. در زیر با اتکا به متن مصاحبه‌ها هر یک از راهبردها جداگانه توضیح داده می‌شود:

الف- عذرخواهی

داده‌های برآمده از مصاحبه حاکی از آن است که طلب عذرخواهی از سوی همسر پیمان‌شکن به صورت کلامی در فرایند شفا و بازسازی رابطه نقش مهمی دارد.

یک همسر پیمان‌شکن چنین بیان کرد: «من اشتباه کرده بودم، من خیلی عذرخواهی کردم، عذرخواهی کلامی، بارها بهش گفتم منو ببخش.»

یک همسر پیمان‌شکن دیگر چنین اظهار کرد: «بهش گفتم منو ببخش، پس از اون هر بار که با هم حرف زدیم ازش عذرخواهی کردم و طلب بخشش، یک‌بار با مشت کوبید به پشت من و فریاد زد چرا با من این کار رو کردی؟ من گفتم غلط کردم.»

همسر آسیب‌دیده دیگر عنوان کرد: «احمد خونه مادرم در رو براش باز نکردم، از پشت آیفون گفت غلط کردم بازهم در رو باز نکردم، شب تا صبح پیامک زد گفت ببخشید، اشتباه کردم، هنوز هم هر وقت حرفش می‌شه عذرخواهی می‌کنه و خجالت می‌کشه».

ب- بازسازی اعتماد

داده‌ها نشان می‌دهد که خیانت باعث از میان رفتن اعتماد در همسر آسیب‌دیده می‌شود و بازسازی اعتماد یک فرایند است که نیازمند کوشش همسر پیمان‌شکن و انجام رفتارهای خاص از سوی او است.

یک همسر آسیب‌دیده بیان کرد: «مدت‌ها روابطمون مشروط بود، تلفن‌هاش رو چک می‌کردم، رفت‌وآمدش رو چک می‌کردم، ازش خواستم شماره و فیس‌بوک اون آدم رو بلاک کنه، گفتم هر چی رو که تو رو به اون آدم مرتبط می‌کنه باید قطع کنی، واقعاً این کار رو کرد، به‌مرور ثابت شد که چیزی نیست و رابطمون از حالت مشروط در احمد و بازهم اعتماد بازگشت».

یک زن پیمان‌شکن در خصوص کوشش خود برای کسب اعتماد همسرش گفت: «در کل برای این که اعتماد کنه خودم رو در اختیارش گذاشتم، هنوز هم همین‌طوره، اون کد موبایلم رو داره، رمز ایمیل رو داره، وقتی میرم بیرون همیشه در دسترسه، همیشه بهش می‌گم کجا می‌رم، در طول راه زنگ می‌زنم، می‌رسم خونه زنگ می‌زنم، زیاد این‌ور و اون‌ور نمی‌رم، مثلاً با دوستانم بیرون نمی‌رم، در کل به چک کردنش اعتراض نکردم، چون حقشه، این توانی هست که باید بپردازم».

ج- محبت و دلجویی

بر اساس اظهارات مشارکت‌کنندگان ابراز علاقه؛ محبت و دلجویی و اعتباربخشی به عواطف یکدیگر یکی از راهبردهای مشارکتی مهم پس از افشای خیانت است که به بازسازی رابطه کمک می‌کند.

یک زن آسیب‌دیده بیان کرد: «همسر سعی می‌کرد به من محبت کنه. اون آسیبی رو که به من زده بود فهمید، می‌خواست جبران کنه. برام کادو می‌خرید. خودش می‌گفت شب‌ها که تو

می‌خواید من تو رو بغل می‌کردم و گریه می‌کردم، تو متوجه نمی‌شدی، این رفتارها و گفتارها خیلی آروم کرد و باعث شد ببخشم».

یک همسر پیمان‌شکن در این خصوص گفت: «تو این موقعیت همسرم خیلی به من محبت می‌کرد، درعین حال این که درد می‌کشید ولی حواسش به من هم بود، مثلاً هیچ‌وقت به من زنگ نمی‌زد؛ اما توی اون موقع به هم زنگ می‌زد و می‌گفت که دوستم داره، محبت کردن‌ها و با هم گریه کردن‌ها خیلی کمک کرد».

د- مسئولیت‌پذیری دوجانبه

داده‌ها نشان داد که برخی از همسران پس از افشای خیانت سعی کرده بودند تا از طریق گفتگو دلایل خیانت را کشف کنند. بنا به اظهارات این دسته از همسران نگاه سیستمی، یافتن نقش خود در فراهم کردن بستر خیانت و پذیرفتن مسئولیت آن می‌تواند در بازسازی رابطه تأثیر مهمی داشته باشد.

به‌طور مثال یکی از همسران آسیب‌دیده اظهار کرد: «به نظر من باید هر دو طرف تقصیرات خودشان رو قبول کنن، این جور نباشه که فرد پیمان‌شکن مقصر باشه، بالاخره من هم توی این جریان مقصر بودم من هم همسر رو به اون سمت سوق داده بودم».

یک زن آسیب‌دیده دیگر چنین بیان کرد: «اوایل که حالم بد بود خیلی چیزهاشو نمی‌پذیرفتم، دو هفته اول اصلاً، ولی هرچی می‌گذشت بیشتر قبول می‌کردم که یه جاهایی خودم هم تقصیر داشتم، وقتی با هم حرف زدیم دیدم یکسری از حرفاش درسته، یه جاهایی حق با اونه، یک جنبه‌هایی خودم رو مقصر می‌دونم، این تو بخشیدن خیلی به هم کمک کرد».

بحث و نتیجه‌گیری

همچنان که یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد، یکی از راهبردهای فردی، مدیریت هیجانات منفی از طریق صحبت کردن با فردی مورد اعتماد، ورزش، سرگرم شدن با کار، دارودرمانی و پاسخ عاطفی مناسب از سوی همسر پیمان‌شکن (مثل سکوت و تسلیم) است. همسو با یافته‌های پژوهش حاضر گوردون و همکاران (۲۰۰۴ و ۲۰۰۸) و باکوم و همکاران (۲۰۰۹)، دستورالعمل‌های مقدماتی از قبیل مراقبت بدنی (تغذیه و خواب مناسب، کاهش مصرف کافئین

و انجام ورزش) و حمایت اجتماعی (صحبت کردن با یک دوست مورد اعتماد) را جهت مدیریت هیجانات منفی مؤثر می‌دانند.

تقریباً در تمامی الگوهای درمانی خیانت زناشویی، بر مدیریت عواطف واکنش‌های منفی پس از افشای خیانت تأکید شده است، از جمله رویکردهای سیستمی، یکپارچه نگر، بخشش محور، تجربی، شناختی- رفتاری و هیجان‌مدار؛ اما تنها در رویکرد هیجان‌مدار است که به جای کوشش برای تخفیف هیجانات منفی سعی می‌شود که از این هیجانات برای بهبود دل‌بستگی و بهبود روابط استفاده شود. این نوع درمان پیشنهاد می‌کند که عواطف منفی و شدیدی که از سوی همسر آسیب‌دیده بروز می‌کند باید پذیرفته و ابراز شود و چنانچه همسر پیمان‌شکن، واکنش اطمینان‌بخش یا آرام بخشی از خود نشان ندهد، آسیب پیچیده‌تر می‌شود. جانسون (۱۹۸۰)، برخلاف سایر رویکردها به جای نگرستن ساده به هیجان و مخل دانستن آن در درمان، معتقد است که کار کردن با هیجانات منفی و استفاده از آن‌ها در درمان می‌تواند سرنخی برای درک پویایی‌های هیجانی رابطه میان همسران باشد (خمسه ۱۳۸۶، پلوسو ۲۰۰۷، ترجمه و کیلی و خالقی ۱۳۹۲).

در خصوص بهره‌گیری از معنویات که یکی از خرده مقوله‌های راهبردهای فردی است، گوردون و همکاران (۲۰۰۴، ۲۰۰۸ و باکوم، ۲۰۰۹)، انجام مراقبه و دعا را به‌عنوان حمایت معنوی از جمله راهکارهای مفید در کمک به زوجین در مرحله مقدماتی می‌دانند. همچنین فاتحی زاده، رحیمی و یوسفی (۲۰۱۶)، در مطالعه‌ای نشان دادند، باورهای معنوی، همسر آسیب‌دیده را در مقابل خیانت و نتایج آن مقاوم می‌کند و فعالیت‌هایی نظیر عبادت خداوند و حضور در مراسم مذهبی باعث ایجاد امید و کاهش تنش می‌شود.

یافته‌های دیگر پژوهش حاضر نشان داد، یکی از راهبردهای تعاملی همسران پس از افشای خیانت رقابت به‌صورت حمله - دفاع است. در خصوص این یافته پیشینه یافت نشد با این حال گاتمن^۱ ولوینسون^۲ (۲۰۰۰)، زوجین را بر اساس نحوه تعاملشان در هنگام تعارض به همسرهای متعادل و نامتعادل تقسیم می‌کند و همسرهای نامتعادل در یک گروه زوجین متخاصم تعریف می‌شوند. از نظر گاتمن تعارض‌های زوجین متخاصم فراوانی و شدت بیشتری دارد، آن‌ها در

^۱.Gottman

^۲.Levenson

هنگام مشاجره به شخصیت یکدیگر حمله می‌کنند و توهین، انتقاد و سرزنش زیادی در تعاملات آن‌ها دیده می‌شود. در واقع این نوع تعامل و شیوه حل تعارض جنگیدن و نبرد قدرت را در بردارد که نه تنها به سود رابطه کمک نمی‌کند بلکه زمینه تعارضات بیشتری را فراهم می‌سازد. تحقیقاتی که در حوزه شیوه‌های پاسخگویی همسران به خیانت زناشویی مبتنی بر رویکردهای میان فردی (تئوری تساوی و تئوری تبادل اجتماعی)^۱ که هم در تبیین دلایل ورود به رابطه فرا زناشویی و هم در حفظ ادامه رابطه زناشویی پس از افشای خیانت صورت گرفته است تأکید بر آن دارد که هریک از همسران در جهت افزایش پاداش‌ها و کاهش هزینه‌ها در رابطه و در نهایت رسیدن به عدالت در تبادل منابع هستند (توسنارد^۲، ۲۰۰۹) و این همسو با داده‌های پژوهش حاضر در زمینه رقابت است.

همچنان که یافته‌ها نشان داد یکی دیگر از راهبردهای تعاملی همسران پس از افشای خیانت اجتناب در قالب فاصله‌گیری عاطفی و پناه بردن به نقش قربانی است. در ابتدای ورود به مرحله اجتناب راهبرد تعاملی همسران به شکل مطالبه‌گر - اجتناب‌کننده است و به دنبال عدم پاسخگویی همسر پیمان‌شکن و بی‌اهمیت شمردن مسئله از سوی وی الگوی اجتناب بر رابطه حاکم می‌شود. همسر آسیب‌دیده دائماً با موضوعات مختلف از جمله دلایل شکل‌گیری خیانت، چگونگی و کیفیت رابطه فرا زناشویی، ویژگی‌های فرد سوم و خروج یا عدم خروج او از رابطه اشتغال ذهنی دارد. تحلیل داده‌های پژوهش حاضر نشان داد که زنان شرکت‌کننده در پژوهش چه در موقعیت همسر آسیب‌دیده و چه در موقعیت همسر پیمان‌شکن بیشتر پاسخگو بودند، همچنین زوجینی که راهبرد تعاملی آن‌ها اجتناب و یا رقابت بود، زن در موقعیت همسر آسیب‌دیده و مرد در موقعیت همسر پیمان‌شکن قرار داشت. این یافته همسو با نتایج پژوهش فاتحی زاده و همکاران (۲۰۱۶)، است که اجتناب را متداول‌ترین الگوی رفتاری زنان آسیب‌دیده در پاسخ به خیانت همسر می‌دانند. هندریکس^۳ (ترجمه ابراهیمی، ۱۳۸۴)، معتقد است مرحله اجتناب معمولاً پس از مرحله نبرد قدرت و چانه‌زنی است و یأس و ناامیدی را در بردارد. مبتنی بر تئوری سرمایه‌گذاری می‌توان علت حفظ و ادامه زندگی پس از افشای خیانت

1. Social exchange theory/ equity theory

2. Toesnard

3. Hendrix

درزمینه اجتناب را میزان سرمایه‌گذاری فرد در ازدواج دانست. هرچقدر سرمایه‌گذاری فرد در ازدواج بیشتر باشد احتمال فروپاشی رابطه کمتر است (توسنارد ۲۰۰۹). به نظر می‌رسد همسران حاضرند عدم ارضای نیازهای عاطفی و رضایت زناشویی خود را به خاطر منابع موجود در ازدواج نادیده بگیرند. تحقیقات صورت گرفته در حل تعارضات زناشویی نیز به سبک اجتناب اشاره دارد که در آن رفتارهای منفعلانه و غیرصریح وجود دارد. اجتناب‌کنندگان با تغییر موضوع یا کناره‌گیری از آن از زیر مسئله شانه خالی می‌کنند و می‌خواهند به هر قیمتی از تعارض امتناع کنند. سبک اجتنابی معمولاً موقعیت را برای تعارض بیشتر تسهیل می‌کند زیرا به‌جای حل مسئله، دفع مسئله صورت می‌گیرد (گاتمن و لوینسون ۲۰۰۰).

همچنین پژوهش حاضر نشان داد یکی دیگر از راهبردهای تعاملی همسران پس از افشای خیانت توافق در قالب بده-بستان است. در حیطه حل تعارضات زناشویی السون (۲۰۰۱) به نقل از شیر (۱۳۸۷)، با این که سبک توافقی را از سبک اجتنابی صریح‌تر می‌داند اما معتقد است سبک توافقی به اندازه سبک مشارکتی منجر به حل مسائل نمی‌شود. سبک توافقی نسبت به سبک مشارکتی کمتر وقت‌گیر است و گزینه تساوی را برای هر دو نفر تشویق می‌کند. نقطه ضعف سبک توافقی این است که برای حل تعارض فرمول‌های ساده‌ای را ارائه می‌دهد که ممکن است بهترین راه برای حل همه مشکلات نباشد و مبتنی بر تئوری تساوی و تبادل اجتماعی که بر تبادل منابع میان افراد، کاهش هزینه و افزایش پاداش تأکید دارد، علت رابطه فرا زناشویی را نتیجه کوشش برای برابری میان همسران می‌داند و نابرابری میان زوج را چه به لحاظ مادی و چه غیرمادی زمینه‌ساز خیانت تلقی می‌کند؛ بنابراین تصمیم فرد را نیز برای ترک یا ادامه رابطه زناشویی پس از خیانت نیز می‌تواند بنا بر کاهش هزینه و افزایش پاداش تبیین شود (توسنارد، ۲۰۰۹). درواقع راهبرد تعاملی که زمینه‌ساز توافق و تبادل منابع میان همسران است نشان‌دهنده این که آن‌ها می‌خواهند به نوعی از عدالت دست پیدا کنند. این رویکرد نشان می‌دهد که چگونه یک رابطه نابرابر می‌تواند از دید همسران عادلانه توصیف شود چرا که هر یک از همسران (زن یا مرد) بر بعد خاصی از ارتباط تأکید دارند. مبتنی بر نظریه جنسیت‌مدار که آسیب روانی را حاصل روابط نامتعادل میان افراد می‌داند مثل نابرابری قدرت که میان زنان و مردان وجود دارد و آن را برآمده از عوامل اجتماعی می‌داند نه تعارض‌های درون روانی (پروچاسکا، ۱۹۹۹، ترجمه سید محمدی ۱۳۸۱). شاید بتوان ماندن و ادامه زندگی را با استفاده

از راهبرد توافق تبیین کرد. از آنجا که فقط زنان آسیب‌دیده شرکت‌کننده در پژوهش حاضر به گرفتن منبعی از قدرت مثل حق طلاق یا منابع مادی در ازا ادامه زندگی شده بودند، این راهبرد یکی از شیوه‌های اعتمادسازی و یا دلجویی از سوی آنان تلقی می‌شد که باعث افزایش قدرت، اعتمادبه‌نفس و مهار آنان می‌گردید و مشوقی برای ادامه زندگی محسوب می‌شد.

مبتنی بر پژوهش حاضر، یکی دیگر از راهبردهای تعاملی همسران پس از افشای خیانت مشارکت است که شامل عذرخواهی از سوی همسر پیمان‌شکن، محبت و دلجویی، بازسازی اعتماد و مسئولیت‌پذیری دوجانبه است. اکثر رویکردهای درمان خیانت زناشویی راهکارهایی مانند مدیریت بحران، مسئولیت‌پذیری دوجانبه، اعتمادسازی، همدلی با همسر آسیب‌دیده، عذرخواهی، شناسایی دلایل خیانت را برای مداخله در بحران پیشنهاد کرده‌اند و پژوهش‌های بسیاری نیز کارایی این مداخلات را تأیید کرده است (اتکینز، الدریدج، باکوم و کریستین، ۲۰۰۰؛ کروگر، ریبنر، وسترلینگ، شوتز و کلیم ۲۰۱۲؛ جانسون، ۲۰۰۶؛ فایف و همکاران ۲۰۰۸؛ گوردون و همکاران ۲۰۰۴؛ ۲۰۰۸؛ باکوم، ۲۰۰۹؛ کریمی، مهرابی زاده، سودانی و نیسی، ۱۳۹۲؛ مؤمنی ۱۳۹۰؛ حسن‌آبادی و سلطانی فر ۱۳۹۰). گاتمن و لوینسون (۲۰۰۰)، در پژوهش‌های خود در خصوص سبک‌های حل تعارض میان زوجین به سبک اعتباربخشی اشاره می‌کنند. همسرهای اعتبار بخش به گونه‌ای درباره موضوع تعارض گفتگو می‌کنند که اطمینان حاصل شود ویژگی‌های طرفین مورد درک و احترام یا اعتباربخشی واقع شده است. این دسته از همسرها از پرداختن مستقیم به تعارضات موجود ترسی ندارند. این گونه به نظر می‌رسد که زوجین شرکت‌کننده در پژوهش حاضر با استفاده از راهبرد مشارکت به‌منظور حفظ و ادامه زندگی تصمیم‌گیری منطقی کرده‌اند. آن‌ها با توجه به شرایط خاص، مسئله را شناسایی کرده و راه‌حل‌های بهتر را انتخاب کرده‌اند؛ اما درزمینه رقابت، اجتناب و توافق گویی نوعی از تصمیم‌گیری سیاسی مبتنی بر قدرت وجود دارد.

درنهایت، این یافته‌ها به درک بهتر مشاوران و زوج درمانگران از شیوه پاسخ‌دهی همسران در قبال افشای خیانت کمک می‌کند تا بتوانند مداخلات درمانی متناسب با وضعیت زوجین را تدوین کنند. به‌ویژه در مراحل اولیه درمان خیانت، همسران را به‌سوی مدیریت هیجانات منفی و راهبردهای مشارکتی که برای طرفین سودمند است، سوق دهند.

محدودیت‌های این پژوهش استفاده از مصاحبه بود که حفظ بی‌طرفی مصاحبه‌گر را دشوار می‌ساخت و امکان سوگیری وجود داشت. تکیه صرف به گزارش‌های یکی از همسران و عدم مصاحبه با هر دو طرف به‌طور هم‌زمان، یکی دیگر از محدودیت‌های این پژوهش است. غالب جمعیت مصاحبه‌شونده را زنان خیانت دیده تشکیل می‌داند که این می‌تواند بر یافته‌های پژوهش تأثیرگذار باشد.

بر اساس یافته پژوهش، به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که تفاوت جنسیتی را بر استفاده از نوع راهبرد همسران مورد مطالعه قرار دهند. اجرای یافته‌های پژوهش بر زوجینی که زن پیمان‌شکن بوده می‌تواند بر اعتبار یابی یافته‌ها کمک کند.

منابع

- استراوس، انسلم؛ کوربین، جولیت. (۱۹۹۸). *اصول و روش پژوهش کیفی نظریه مبنایی: رویه‌ها و شیوه‌ها*. ترجمه بیوک محمدی تهران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پروچاسکا، جیمز؛ نورکراس، جان. سی. (۱۹۹۹). *نظریه‌های روان‌درمانی*. ترجمه؛ یحیی سید محمدی (۱۳۸۱). تهران: انتشارات رشد.
- پلوسو، پاول ر. (۲۰۰۷). *پیمان‌شکنی مداخلات درمانی برای بحران‌های زناشویی*. ترجمه؛ پریش و کیلی و احمد خالقی (۱۳۹۲). تهران: انتشارات ارجمند.
- حسن آبادی حسن؛ مجرد، سعید؛ سلطانی فر، عاطفه. (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی درمان هیجان‌مدار بر سازگاری زناشویی و عواطف مثبت همسرهای دارای روابط خارج زناشویی. *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ۱ (۲)، ۲۵-۳۸.
- شیری، زهره. (۱۳۸۷). *مهارت‌های حل تعارض برای همسران*. تهران: سازمان بهزیستی کشور.
- کریمی، جواد؛ مهربابی زاده، مهناز؛ سودانی، منصور و نیسی، عبدالکازم (۱۳۹۲). مقایسه اثربخشی زوج‌درمانی هیجان‌مدار در علائم افسردگی و تنیدگی پس از سانحه برآمده از روابط زناشویی زوجین. *مجله روان‌شناسی بالینی*، شماره ۱۹.
- مؤمنی جاوید، مهرآور. (۱۳۹۰). *بررسی تأثیر مشاوره گروهی با رویکرد میان فردی بر بهبود روابط زناشویی آسیب‌دیده از خیانت زناشویی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا (س).
- هندریکس، هارویل. (۱۹۸۸). *بازگشت به عشق*. ترجمه هادی ابراهیمی (۱۳۸۴) تهران: انتشارات نسل نو اندیش.

- Atkins, D.C., Eldridge, K.A., Baucom, D.H., & Christensen, A. (2005). Infidelity and Behavioral Couple Therapy: Optimism in the Face of Betrayal. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 73,144-150.
- Baucom, D.H., Snyder, D.K. & Gordon, K.C. (2009) Helping Couples Get Past the Affair: A Clinician's Guide. Guilford Publications, Inc. New York.
- Bird, M., Butler, M., & Fife, S. (2007). The Process of Couple Healing Following Infidelity. *Journal of Couple and Relationship Therapy* 6, 125
- Fatehizadeh, M. Rahimi, A. & Yousefi, Z. (2016). The Lived Experiences of Iranian Women, Injured from Their Husbands' Infidelity. *Modern Applied Science*, 10(4) 70-75.
- Gottman, J. M., & Levenson, R. W. (2000). The timing of divorce: Predicting when a couple will divorce over a 14-year period. *Journal of Marriage and Family*, 62(3), 737-745.
- Gordon, K.C., Baucom, D.H., & Snyder, D.K. (2008). Optimal Strategies in Couple Therapy: Threatening Couple Dealing with the Trauma of Infidelity. *Contemporary Psychotherapy*, 38:151-160.
- Gordon, K.C., Baucom, D.H., & Snyder, D.K. (2004). An Integrative Intervention for Promoting Recovery from Extramarital Affairs. *Journal of Marital and Family Therapy*, 30, 213-232.
- Hertlin, K.M, Wetchler, J.L., Piercy, F.P. (2005). Infidelity: An Overview. *Journal of Couple & Relation Therapy*, 4(213),5-16.
- Jackman, M. (2014). Understanding the Cheating Heart: What Determines Infidelity Intention. *Sexuality & Culture*. Published Online: Springer Science Business Media New York.
- Johnson, S., M., Makinen, J., A. (2006). Resolving Attachment Injuries in Couples Emotionally Focused Therapy: Steps Toward Forgiveness and Reconciliation. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*,74(6), 1055-1064
- Kroger, C., Reibner, T. Vasterling, I Schutz, k., Kliem, S. (2012). Therapy for couple After an Affair a Randomized-Controlled Trial. *Behavior Research and Therapy*, 50, 786-796.
- Levine, S.13. (2005). A Clinical Perspective on Infidelity. *Sexual and RelationalTherapy*.20(2),143-153.
- Naidoo, Annelene. (2013). A Qualitative Study on The Self-Concepts of Wives Who Have Experiences Infidelity During Their Marriages. Master of Arts in Psychology Papers. University of Johannesburg.
- Olson, M.M., Russell, C.S., Higgins Kessler, M., & Miller, R.B. (2002). Emotional Process Following Disclosure of an Extramarital Affair. *Journal of Marital and Family Therapy*, 28(4), 423-434.
- Olmstead, S.B., Blick, R.W., Mills, L.I., (2009) Helping Couple Work Toward the Forgiveness of Marital Infidelity: Therapist' Perspectives. *The American Journal of FamilyTherapy*,37: 48-66.
- Rahimi, A., Fatehizadeh, M., Yousefi, Z. (2014). The study of Interactive relationship Pathology between Couples, after Husband's Infidelity, among the traumatic Women in Isfahan, In 2012-2013. *Academic Research Journal of Psychology and Counselling*,1(1), 1-

- Satples, J.M (2010). Couple's Process of Healing from Infidelity while Therapy." A Thesis for Master of Science Degree in Marriage and Family Therapy". University of Nevada, Las Vegas.
- Touesnard,Lisa. (2009). What 's Love Got to Do with It? A Study of the Effect of Infidelity on Contemporary Couples. *A Thesis for the the degree of Master of Arts in Sociology*. University of Waterloo, Ontario, Canada.
- Vaughan,P. (2008). The monogamy myth. (3rd edition). New York: Newmarket press.
- Wang Hui Min, R., (2006). The Impact of Discovering Spouse' s Infidelity: A pilot Study on Singaporean Chinese. A These for the Degree of Master of Science in Family and Psychotherapy. Middlesex University, London.